

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. B13

Chamber Two

دیوان داورى دعاوى ایران - ایالات متحدہ

26

پرونده شماره ب - ۱۳

شعبه دو

حکم شماره ۱۳-۲ ب-۲۶۶

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داورى دعاوى ایران-ایالات متحدہ
شیت شد - FILED	
Date	13 NOV 1986 تاریخ
	۱۳۶۵ / ۸ / ۲۲
No.	B13 شماره

DUPLICATE
ORIGINAL

تسخیر برابر اصل است

اداره گمرک ایران،

خواهان،

- و -

ایالات متحده امریکا،

خوانده.

|||
|||

یک - سوابق امر و جریان رسیدگی

۱ - در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۵ دی ماه ۱۳۶۰) اداره گمرک ایران (۱) ("خواهان") دادخواستی ثبت و مبلغ ۷،۳۷۱،۳۷۹ ریال که حسب ادعا خوانده، ایالات متحده آمریکا بابت حقوق و عوارض گمرکی بدهکار بوده، مطالبه کرد. ادعا ناشی از ترتیباتی است که به موجب آن خواهان اجازه داد کالاهای مختلفی جهت نمایش در مرکز بازرگانی ایالات متحده در نمایشگاههای گوناگون بازرگانی بین المللی و نمایشگاه ابزار ماشین به طور موقت و بدون پرداخت حقوق گمرکی معمول به ایران وارد شود. سفارت ایالات متحده در تهران غالباً "ضمانتنامه هائی صادر و رعایت مقررات گمرکی ایران را تضمین می نمود." (۲) خواهان استدلال می کند که این تضمین به این مفهوم بود که ایالات متحده مسئولیت مالی پرداخت حقوق گمرکی لازم برای کالاهائی را که برگشت داده نشود، می پذیرد.

۲ - نخستین عکس العمل ایالات متحده در برابر این ادعا و ادعاهای مشابه ثبت عرضحالی در ۱۴ آوریل ۱۹۸۲ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۱) بود که طی آن از دیوان درخواست کرد که به دولت ایران دستور دهد اسناد رسمی مربوط به شرکت ایالات متحده در نمایشگاههای بازرگانی بین المللی ایران را که در سفارت ایالات متحده در ایران نگهداری می شد، ارائه دهد. ایالات متحده، پس از اشغال سفارت آمریکا در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸) در تهران دیگر به آن اسناد دسترسی نداشت.

(۱) در درخواست از خواهان به عنوان "گمرک ارشاد" نام برده شده ولی "مدیر کل گمرک ایران" آن را امضاء کرده است. خواهان در آخرین لایحه اش خود را "اداره گمرک ایران" نامیده و دیوان نیز همین عنوان را به کار می برد.

(۲) در این پرونده خواهان نسخ هیچیک از ضمانت نامه ها یا مدارک دال بر مجموع مبلغ مورد ادعا را تسلیم نکرد.

۳ - لیکن، با ثبت "درخواست رد ادعا به دلیل عدم صلاحیت" از طرف ایالات متحده به همراه لایحه دفاعیه وی در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۴ آبان ماه ۱۳۶۱)، عرضحال مزبور منتفی گردید. ایالات متحده در درخواست خود استدلال می کند که دیوان صلاحیت رسیدگی به این ادعا و سایر ادعاهای مشابه را ندارد و اضافه می نماید که هر چند این ادعا یک ادعای رسمی است ولی "از ترتیبات قراردادی غیما بین (دو دولت) برای خرید اجناس و خدمات" به ترتیب مقرر در بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، ناشی نمی شود. ایالات متحده طبق ماده ۲۱ قواعد دیوان از دیوان درخواست کرده که قبل از ادامه داوری ادعای حاضر، در مورد این دفاع صلاحیتی خوانده رای دهد.

۴ - دیوان طی دستور مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۸۲ (۲۸ بهمن ماه ۱۳۶۴) به طرفین اطلاع داد که "با توجه به احکامی که شعب یک و سه در پرونده های مشابه صادر کرده اند"، دیوان در نظر دارد در مورد موضوع صلاحیتی که ایالات متحده در پرونده حاضر مطرح نموده، "در اسرع وقت ممکن" تصمیم گیرد. دیوان طی دستور مورخ ۵ ژوئن ۱۹۸۲ (۱۵ خرداد ماه ۱۳۶۵)، ضمن سایر مطالب، به طرفین اطلاع داد که در نظر دارد راجع به موضوع صلاحیت براساس مدارکی که تا ۳۰ اوت ۱۹۸۲ (۸ شهریور ماه ۱۳۶۵) تسلیم شده، تصمیم گیرد. خواهان در ۲۹ اوت ۱۹۸۲ (۷ شهریور ماه ۱۳۶۵) لایحه دیگری به ثبت رساند.

دو - دلایل حکم

۵ - بحثی نیست که پرونده حاضر به ادعای ایران علیه ایالات متحده مربوط بوده و از لحاظ صلاحیتی به موجب بند ۳ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در شمار "ادعاهای رسمی" قرار می گیرد.

۶ - صلاحیت دیوان نسبت به "ادعاهای رسمی" محدود به ادعائی است که ناشی

" از ترتیبات قراردادی فیما بین (ایالات متحده و ایران) برای خرید یا فروش اجناس یا خدمات" باشد.

بنابراین دیوان باید متقاعد شود که نه تنها ادعاها ناشی از ترتیبات قراردادی هستند، بلکه بالاخص، این ترتیبات برای تهیه اجناس و خدمات می باشند.

۷ - در پرونده حاضر ادعا بابت پرداخت حقوق و عوارض گمرکی است که حسب ادعا پرداخت نشده است. تعهد پرداخت چنین حقوق و عوارضی مستقل از هرگونه قراردادی بوده و از اعمال مقررات ذیربط گمرکی ایران ناشی می شود. بدین ترتیب، بدیهی است که ادعا از صلاحیت دیوان خارج است. رجوع شود به اداره گمرک ایران و ایالات متحده امریکا، حکم شماره ۳-ب-۳-۱۷۲ (۱۷ آوریل ۱۹۸۵ / ۲۸ فروردین ماه ۱۳۶۴).

۸ - در زمینه حاضر می توان چنین نیز استدلال کرد که ادعا ناشی از ضمانتنامه‌هایی است که سفارت ایالات متحده صادر کرده، و این ضمانتنامه‌ها در حکم ترتیبات قراردادی بین دو دولت است. لیکن، حتی اگر چنین ضمانتنامه‌هایی را بتوان ترتیبات قراردادی بین دو دولت دانست، این ترتیبات برای خرید و فروش اجناس و خدمات نبوده‌اند. این ترتیبات در حکم قبول مسئولیت اداری از طرف سفارت به منظور تسهیل ورود اجناس برای نمایش در نمایشگاه‌های مختلف بازرگانی و بازار و مرکز بازرگانی ایالات متحده می باشد. این ترتیبات تلویحا " نه تنها پرداخت عوارض گمرکی مقرر بلکه رعایت کلی مقررات گمرکی ایران را تضمین می کند. دیوان قبلا" رای داده است که چنین ترتیباتی در حکم قراردادهایی "برای خرید و فروش اجناس و خدمات"، به مفهوم عادی آن کلمات نمی باشند. رجوع شود به اداره گمرک ایران و ایالات متحده امریکا، حکم شماره ۱-ب-۱۲-۱۰۵ (۲۴ ژانویه ۱۹۸۴- ۴ بهمن ماه ۱۳۶۲).

۹ - دیوان متقاعد شده است که هیچ مبنای احتمالی دیگری برای صلاحیت رسیدگی به این ادعا در بیانیه حل و فصل دعاوی وجود ندارد.

سه - حکم

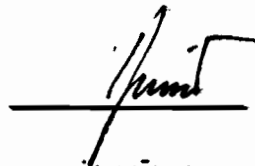
۱۰ - به دلایل پیش گفته

دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

(الف) ادعای اداره گمرک ایران به دلیل عدم صلاحیت رد می شود.

(ب) هر یک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نمایند.

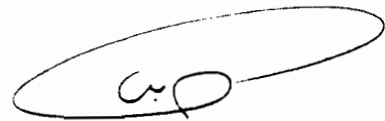
لاشه، به تاریخ ۱۳۰۰... نوامبر ۱۹۸۲ برابر با ۲۳... آبان ماه ۱۳۳۵



روبرت برینر

رئیس شعبه دو

به نام خدا



حمید بهرامی احمدی

نظر مخالف

م.ج. / ج. ح



جرج اچ. آلدریچ